

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آینه معرفت

(نشریه علمی فلسفه و کلام اسلامی)
سال بیست و دوم، شماره ۷۱ / تابستان ۱۴۰۱

صاحب امتیاز:
دانشگاه شهید بهشتی
دانشکده الهیات و ادیان

مدیر مسئول:
دکتر حسن سعیدی

سر دبیر:
دکتر حسن سعیدی

مدیر داخلی:
دکتر زکریا بهارنژاد

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب الفبا:

دکتر محمد ابراهیمی ورکیانی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر سیدعلی اکبر افجه‌ای (استاد دانشگاه علامه طباطبائی)، دکتر رضا اکبریان (استاد دانشگاه تربیت مدرس)، دکتر محسن جوادی (استاد دانشگاه قم)، آیت الله دکتر سیدحسن سعادت مصطفوی (دانشیار دانشگاه امام صادق)، دکتر حسن سعیدی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر محمدعلی شیخ (استاد دانشگاه شهید بهشتی)، دکتر منوچهر صانعی (استاد دانشگاه شهید بهشتی) دکتر قربان علمی (دانشیار دانشگاه تهران)

همکاران علمی این شماره به ترتیب الفبا:

دکتر رضا اکبری، دکتر محسن جاهد، دکتر عین‌الله خادمی، دکتر فرزانه ذوالحسینی، دکتر حسین عشاقی، دکتر میثم سفیدخوش، دکتر عبدالرضا سلامی، دکتر سیدمحمد اسماعیل سیدهاشمی، دکتر محمدجواد شمس، دکتر عباس شیخ شعاعی، دکتر محمدرضا غفوریان، دکتر ابراهیم نوئی، دکتر اصغر واعظی

مترجم چکیده‌ها:
دکتر محمدرضا عنانی سراب

ویراستار:
فروغ کاظمی

صفحه‌آرا:
مریم میرزایی

کارشناس:
رقیه علیقلی‌پور

نشانی: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان، دفتر نشریه کد پستی: ۱۹۸۳۹۶۹۴۱۱

www.scj.sbu.ac.ir
E-Mail: ayenehmarefat@sbu.ac.ir

تلفکس: ۲۲۴۳۱۷۸۵ تلفن: ۲۹۹۰۵۶۹۴
چاپ و صحافی: چاپخانه دانشگاه شهید بهشتی

در تاریخ ۹۱/۱۰/۲۵ طی نامه ۲۰۵۱۳۹/۳/۱۸ رتبه علمی پژوهشی نشریه آینه معرفت توسط کمیسیون نشریات وزارت علوم و تحقیقات و فناوری تمدید اعتبار شده است.

دسترسی به مقالات این نشریه آزاد است.
نشریه علمی آینه معرفت در سایت زیر به طور تمام متن قابل بازیابی است:

www.ISC.gov.ir
www.SCJ.sbu.ac.ir
www.Magiran.com

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
پایگاه نشر دانش (پند)
بانک اطلاعات نشریات کشور (مگیران)

شروع انتشار: زمستان ۱۳۸۲
سال نشر: ۱۴۰۱
قیمت تک شماره: ۴۰۰۰۰ تومان

توجه: مسئولیت مطالب و نظریات مطرح شده در مقاله‌های این نشریه علمی بر عهده نویسندگان آن است و چاپ آنها به معنای تأیید آنها نیست.

۱. راهنمای نگارش مقالات

- مشخصات نویسنده: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی و سازمان متبوع صاحب اثر (مؤلف / مترجم)، نشانی دقیق پستی و الکترونیکی و تلفن تماس در پایان مقاله آورده شود.
- تصمیم گیری در مورد چاپ مقاله ها توسط هیئت تحریریه و دو داور متخصص در بازه زمانی ۵ ماه صورت می پذیرد.
- مقاله در نشریه دیگر چاپ نشده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
- در مقاله هایی که بیش از یک مؤلف دارد باید نویسنده مسئول مشخص شود و مقاله های دانشجویان در مقطع تحصیلات تکمیلی با معرفی استاد راهنما برای داوری ارسال خواهد شد.
- مسئولیت مطالب مندرج در مقاله ها بر عهده نویسنده (یا نویسندگان) است.

۲. ساختار مقاله و روش نوشتن آن

- عنوان مقاله ناظر بر موضوع تحقیق، کوتاه و رسا باشد.
- چکیده؛ حدود ۲۰۰-۱۵۰ کلمه به زبان فارسی و انگلیسی نوشته شود و دربردارنده شرح کوتاه و جامع محتوای نوشتار باشد، شامل: بیان مسئله؛ هدف؛ روش پژوهش؛ ماهیت پژوهش و نتیجه باشد.
- مقاله های ارسالی مرتبط با زمینه های تخصصی فلسفه و کلام اسلامی به زبان فارسی، پذیرفته می شود.
- مقاله ها در کادر مشخص شده مجله (راست، چپ و پایین ۴/۵ سانتیمتر و بالا ۶ سانتیمتر) و قلم زر ۱۳، حداکثر ۲۵ صفحه - تنظیم شود.
- دریافت مقاله فقط از طریق سامانه پند، سامانه مدیریت نشر به آدرس www.jipt.sbu.ac.ir امکان پذیر است.

۳. فهرست منابع و مآخذ

کتاب: نام خانوادگی، نام (نویسنده)، عنوان کتاب، شماره جلد، نام مترجم یا مصحح و غیره، محل نشر، نام ناشر، سال نشر.

مقاله:

الف) چاپ شده در مجموعه یا دایرةالمعارف :

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، «عنوان مقاله»، نام مترجم، عنوان مجموعه یا دایرةالمعارف، اهتمام کننده، محل نشر، نام ناشر، سال نشر، صفحه ها.

ب) چاپ شده در مجلات:

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، «عنوان مقاله»، نام مترجم، نام مجله، دوره یا جلد، شماره (فصل / ماه و سال)، صفحه‌ها.

ج) چاپ شده در روزنامه:

نام خانوادگی، نام (نویسنده)، «عنوان مقاله»، نام مترجم، نام روزنامه، شماره (روز و ماه و سال)، صفحه.

پایان نامه و منابع الکترونیکی: نام خانوادگی، نام، نام مقاله، آدرس اینترنتی، تاریخ

از نویسندگان محترم تقاضا می‌شود از ارسال مقالاتی که مطابق شیوه‌نامه نیست، خودداری فرمایند؛ صرفاً مقالاتی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند که مطابق شیوه‌نامه نگاشته شده باشند.

فهرست مطالب

۷	تبیین معنای صفات اربعه الهی "الاول والاخر والظاهر والباطن" در رویکرد عقلی مرتضی سمنون - فاطمه جعفری
۱۱	بررسی تطبیقی زیبایی عالم و مسئله شرور از دیدگاه فلوپین و مولوی صدیقه بحرانی - محمد رضا اسدی
۱۴	بررسی انتقادی نسبت تجرد ادراک با ثبات تغیر، مهدی اسدی
۱۷	قوای ادراکی باطنی در حکمت متعالیه؛ از پنجگانه انگاری تا یگانگی با نفس مجتبی افشارپور
۲۰	چالش دوگانگی وحدت یا کثرت نوعی انسان در آراء ملاصدرا محمدشاه حسینی - محسن جاهد - رحیم دهقان سیمکانی
۲۴	تحلیل عرفانی تمثیل در قرآن کریم، کنانه مصطفی - امیر جوان آراسته - رحمان بوالحسنی
۲۷	ارزیابی نگاه حداقلی به زن در عبارات ملاصدرا سیده زهرا موسوی بایگی - سید محمد موسوی - هادی ایزانلو

9	<i>Delineating the Meaning of God's Four Divine Attributes, the First, the Last, the Apparent, the Hidden in the Rational Approach, Morteza semnoon- Fateme Jafari</i>
12	<i>A Comparative Study of the Beauty of the World and the Issue of Evil from the Perspective of Plotinus and Moulavi, Sedighe Bahrani- Mohammad Reza Asadi</i>
15	<i>A Critical Study of the Relationship between Non-Materiality of Knowledge and Constancy of Change, Mahdi Assadi</i>
18	<i>Inner Perceptual Faculties in Transcendental Wisdom: From the Fivefold Perceptual Faculties to Their Unification with Soul, Mojtaba Afsharpour</i>
22	<i>The Challenge of Unity or multiplicity of Human Species from Mulla Sadra's Perspective, Mohammad Shahhoseini- Mohsen Jahed - Rahim Dehghan Simkani</i>
25	<i>Mystical Analysis of Representation in The Holy Quran Kinana Mustafa- Ameer Javan Arasteh- Rahman Bou-AlHasani</i>
28	<i>Evaluating the Minimalistic View of Women from Mulla Sadra's Perspective Seyyede Zahra Mousavi Baygi- Seyyed Mohammad Mousavi- Hadi Izanlo</i>

نشریه علمی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۴۰۱
Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی
کد مقاله: ۱۲۱۹
صفحات: ۲۸-۱

Doi: 10.52547/jipt.2022.225186.1219

تبیین معنای صفات اربعه الهی "الاول و الاخر و الظاهر و الباطن" در رویکرد عقلی

مرتضی سمنون*
فاطمه جعفری**

چکیده

در اسلام اصل توحید به عنوان اساسی‌ترین اصل از اصول دین و معرفت به آن نیز والاترین شناخت معرفتی شده است. گرچه در الهیات و حکمت اسلامی شناخت ذات الهی مقدور انسان نبوده و عنقاء است که دسترسی به آن امکان ندارد ولی باب خداشناسی بسته نشده و درک و فهم توحید از راه شناخت صفات الهی میسر بوده و توصیه شده است. از این رو هم در آیات قرآن کریم و هم در سنت (اعم از روایات و ادعیه) نامیده شدن خداوند به این اسما و صفات بسیار تکرار گردیده و به تبیین معنای این اسما و صفات پرداخته است. خداوند خود را به چهار صفت "اولیت، آخریت، ظاهریت و باطنیت" در ابتدای سوره حدید متصف کرده و در روایات فهم عمیق این صفات را برای اهل فهم و تعمق در آخر الزمان دانسته است. با توجه به رویکردهای مختلف نقلی، عقلی و شهودی در تبیین معنای صفات الهی این مقاله درصدد است تا با توجه به میراث عظیم رویکرد عقلی و فلسفی به تبیین معنای این صفات اربعه در این رویکرد بپردازد.

در این رهگذر اولیت و آخریت نه به معنای اول و آخر زمانی بلکه به معنای ذاتی دانسته شده و در چارچوب اندیشه فلسفی به عنوان علت فاعلی و غایی یا اولیت در قوس نزول و آخریت در قوس صعود معنا شده است. البته در حکمت متعالیه این صفات حاکی از وحدت مطلقه و حقه بوده که همه صفات الهی را دربردارد. ظاهریت و باطنیت نیز یا به صفات دیگری از جمله علم الهی ارجاع شده یا ظاهریت به معنای ظهور الهی به آیات بوده

m-semnoon@sbu.ac.ir
f.jafari6363@gmail.com

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)
** دانشجوی دکتری دانشکده الهیات و ادیان دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۵

و نیز در حکمت متعالیه با تشبیه به نور که بذاته آشکار و مظهر غیر است، به دلیل شدت
و علو مرتبه مخفی و پنهان است.
کلیدواژه‌ها: اول، آخر، ظاهر، باطن، صفات الهی، وحدت حقه.

Delineating the Meaning of God's Four Divine Attributes, the First, the Last, the Apparent, the Hidden in the Rational Approach

Morteza semnoon*

Fateme Jafari**

Abstract

In Islam, the principle of monotheism (Tawhid) has been introduced as the most fundamental principles of religion and its understanding as the most exalted form of knowledge. Although, in Islamic theology, knowing the divine essence is considered impossible for human beings, the window to knowing God in theology is not completely shut and attaining some levels of understanding of monotheism through the study of divine attributes is possible and recommended. Therefore, addressing God through these attributes and the explanation of their true meaning is abundant both in the verses of the Holy Quran and in the Sunnah (traditions and prayers). God has described Himself with four attributes; "the first (alaval), the last (alakhar) the apparent (alzaher) and the hidden (albaten)" at the beginning of Hadid Surah. The understanding of these attributes as a way to contemplate on the Day of Judgement is recommended in Islamic traditions. Considering the different narratives, intellectual and intuitive approaches in explaining the meaning of divine

* Shahid Beheshti University

m-semnoon@sbu.ac.ir

** Shahid Beheshti University

f.jafari6363@gmail.com

attributes, this article seeks to explain the meaning of these four attributes, considering the significant heritage of the intellectual and philosophical approaches in this respect. In this paper, 'the first' and 'the last' are not considered as temporal concepts rather they are considered essential characteristics and the philosophical framework that has been considered as the ultimate cause. In Mulla Sadra's philosophy, these attributes signify absolute unity and include all divine attributes. 'The apparent' and 'the hidden' are interpreted through references to other divine attributes such as divine knowledge. 'The apparent' refers to the manifestation of divine attributes in worldly signs. In Mulla Sadra's philosophy, these two attributes are compared with light which is apparent in nature and is a sign of something else which remains hidden because of its exalted status.

Key Terms: *the first, the last, the apparent, the hidden.*

نشریه علمی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۴۰۱

Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی

کد مقاله: ۱۲۴۱

صفحات: ۵۶-۲۹

Doi: 10.52547/jipt.2022.225532.1241

بررسی تطبیقی زیبایی عالم و مسئله شرور از دیدگاه فلوپین و مولوی

صدیقه بحرانی *

محمد رضا اسدی **

چکیده

زیبایی عالم و چالش آن یعنی مسئله شرور از مسائل بسیار مهم فلسفی، کلامی است. فلوپین و مولوی به عنوان دو اندیشمند برجسته در جهان نسبت به این مسئله بی تفاوت نبوده و هر دو کوشیده‌اند به این چالش پاسخ دهند. بسیاری از پاسخ‌های آنها به این موضوع، مشترک است مانند نسبی و ضروری بودن شر، ناشی از جزئی نگری و اختیار بشر و مقدمه خیر و لازمه تعالی روح دانستن آن. برخی از پاسخ‌ها فلسفی بوده و تنها از سوی فلوپین مطرح شده اما از آنجا که این مسئله موجب نارضایتی عاطفی برای بشر است، نمی‌تواند او را قانع کند، مانند عدمی و عرضی دانستن شر، اما راه حل‌هایی که صبغه عرفانی دارد تا حدود زیادی قانع کننده است مانند ضروری دانستن شرور برای تعالی روح که توسط هر دو آنها مطرح شده است اما مولوی تکمیل کرده و بسیار مفید و قانع کننده است مانند حل کردن مسئله شر به کمک رابطه عاشقانه دو سویه بین انسان و خداوند و پاسخ‌هایی که برآمده از آیات و روایات اسلامی دارد مانند موجب تنبه و رحمت و تطهیر روح و نشانه محبت دانستن آنها. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و اسنادی و کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیدیم که هرچند با توجه به اینکه بسیاری از پاسخ‌ها و افکار این دو اندیشمند مشترک است، بسیاری به تأثیر فلوپین بر مولوی قایل شده‌اند اما با توجه به اختلافات بین این دو اندیشمند، تشابهات نیز می‌تواند ناشی از منبع شهود عرفانی باشد که میان آن دو مشترک است و ناشی از توارد افکار آنها باشد.

کلیدواژه‌ها: مسئله شرور، فلوپین، مولوی، زیبایی عالم.

* sedighe_bahrani@yahoo.com
** asadi@atu.ac.ir

* عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی واحد یضا (نویسنده مسئول)
** عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی

A Comparative Study of the Beauty of the World and the Issue of Evil from the Perspective of Plotinus and Moulavi

Sedighe Bahrani*
Mohammad Reza Asadi**

Abstract

The issue of the beauty of the world and its challenge, the issue of the evil, is one of the most important philosophical and theological issues. Plotinus and Molavi, as the two distinguished world scholars, have tried to face this challenge. A lot of their suggested solutions are common: the relative and necessary nature of evil, its eminence from man's free will and his atomistic approach, and considering it as a prerequisite for soul exaltation. Some of the solutions, solely proposed by Plotinus, are philosophical in nature as is the case with considering evil non-existent and accidental. Such solutions do not seem to convince people as evil causes emotional distress for mankind. In contrast, the solutions that have a mystical aspect are convincing to a large extent. An example in case, which has been proposed by both Plotinus and Moulavi, is the consideration of evil as a prerequisite for the exaltation of the soul. This solution, which was expanded by Moulavi, is very useful and convincing.

* Islamic Azad University, Beyza Branch

sedighe_bahrani@yahoo.com

** Allameh Tabatabai University

asadi@atu.ac.ir

The specific versions of this solution are as follows: solving the problem of evil with the help of mutual love between man and God and the answers that come from Islamic verses and traditions, such as evil being the cause of awareness, mercy, and purification of the soul, all as signs of love. The present article with a descriptive-analytical library research method concludes that the similarities between the views expressed by Muoulavi and Plotinus can be the result of mystical intuition that is common between them as a source of their thoughts.

Key Terms: *the issue of evil, Plotinus, Moulavi, the beauty of the universe.*

نشریه علمی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۴۰۱

Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی

کد مقاله: ۱۲۸۸

صفحات: ۷۸-۵۷

Doi: 10.52547/jipt.2022.227766.1288

بررسی انتقادی نسبت تجرد ادراک با ثبات تغییر

مهدی اسدی *

چکیده

علامه طباطبایی در توجیه مباحث معرفتی گره خورده به تجرد، از جمله توجیه تجرد ادراک‌های حسی و توجیه سریان علم در جهان ماده و چگونگی معلوم واقع شدن امور مادی، ثبات تغییر را پیش می‌کشد و در استدلال خود می‌گوید تغییر در تغییر خود ثابت است. هدف اصلی این نوشتار آن است که بکوشد به گونه‌ای جامع به بررسی انتقادی همین تعبیر پارادوکسیکال ثبات تغییر و نسبت آن با تجرد ادراک بپردازد. ما در این مقاله بیش‌تر به نقدها و اشکال‌های خاص خود بر ثبات تغییر خواهیم پرداخت: تفاوت معنای تجرد با معنای ثبات در امور مادی ثابت؛ مجرد شدن سکون؛ مجرد شدن کل جهان مادی؛ از میان رفتن یکپارچگی و اتصال در یک ثبات واحد؛ خلط همیشه‌بودن حرکت/تغییر با حرکت/تغییر همیشگی؛ مثال نقضی در مورد نیاز به تجرد در ادراک و صور ذهنی؛ و در نهایت مشکل تسلسل. و از آن‌جا که برخی از معاصران نیز تعبیر پارادوکسیکال ثبات تغییر را ناخوش آیند یافته‌اند، به نقدها و بررسی‌های آن‌ها نیز اشاره کوتاهی خواهیم داشت.

کلیدواژه‌ها: تجرد ادراک؛ ثبات تغییر؛ علم به تغییر؛ پارادوکس؛ تناقض؛ علامه طباطبایی.

A Critical Study of the Relationship between Non-Materiality of Knowledge and Constancy of Change

Mahdi Assadi*

Abstract

Allāmah Ṭabāṭabāyī, in his justification of the epistemic discussions tied to non-materiality, in particular non-materiality of the perception and the fact that the material things are subject to knowledge and understanding, proposes constancy of change and states that change in its own changing is constant. The present paper is an attempt to provide a comprehensive critical study of the paradoxical nature of “constancy of the change” and its relation to non-materiality of knowledge. First and foremost, we focus on our specific criticisms levelled against constancy of change: the difference between the meaning of non-materiality and the meaning of constancy in constant material things, non-materiality of immobility, non-materiality of all of the material things, the problem of losing continuity in a specific constant, the confusion of permanency of motion/change with permanent motion/change, a counterexample refuting the necessity of non-materiality in knowledge and mental images, and, ultimately, the issue of infinite regress. And since some of the contemporaries too have found the paradoxical nature of

* Institute for Humanities and Cultural Studies

M.Assadi@ihcs.ac.ir

Reception date: 1401/4/6

Acceptance date: 1401/6/28

constancy of change undesirable, we will have a short discussion on their criticisms and evaluations as well.

Key Terms: *non-materiality of knowledge, constancy of change, knowledge of change, paradox, contradiction, Allāmah Ṭabāṭabāyī.*

نشریه علمی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۴۰۱

Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی

کد مقاله: ۱۲۲۶

صفحات: ۱۰۲-۷۹

Doi: 10.52547/jipt.2022.225602.1226

قوای ادراکی باطنی در حکمت متعالیه؛ از پنجگانه انگاری تا یگانگی با نفس

مجتبی افشارپور *

چکیده

ادراک که یکی از آثار حیاتی نفس انسانی است، محصول قوای ادراکی است که نفس به واسطه آن قوا این آثار را حاصل می‌کند. در انسان شناسی فلسفی مشایی، پنجگانه بودن قوای ادراکی که عبارت‌اند از حس، خیال، وهم، حافظه و عقل و نیز مادیت قوای ادراکی حیوانی و مادیت ادراکات سه‌گانه حاصل از آنها امری مسلم است. در آثار ملاصدرا در عین اینکه تجرد همه قوای ادراکی و نیز تجرد تمامی صور ادراکی صراحتاً بیان شده است اما در خصوص ماهیت قوای ادراکی و تعداد آنها سخنانی به ظاهر ناسازگار به چشم می‌خورد. او در مواردی همچون مشایبان از قوای پنجگانه سخن می‌گوید، گاهی واژه را انکار می‌کند، در برخی آثار حس مشترک و خیال را مراتب شدید و ضعیف قوه واحد می‌خواند و در مواردی نیز از وحدت نفس و قوا دم می‌زند. در این مقاله به منظور تبیین نظریه نهایی ملاصدرا در باب قوای ادراکی باطنی و نیز پی بردن به وجود یا عدم وجه جمعی میان سخنان به ظاهر ناسازگار او، با روش تحلیلی-توصیفی علم النفس حکمت متعالیه را کاویده‌ایم و به این نتیجه دست یافته‌ایم که با نگاهی جامع به همه آثار که ملاصدرا در آنها در باب قوای ادراکی سخن گفته، مشخص می‌شود که او برای رسیدن به نظریه نهایی خویش چند مرحله را می‌پیماید و هر کدام از نظرات به ظاهر ناسازگار مربوط به یکی از مراحل رسیدن به آن است.

کلیدواژه‌ها: قوای ادراکی باطنی، قوای پنجگانه ادراکی، مراتب نفس، وحدت نفس، وحدت قوا.

Inner Perceptual Faculties in Transcendental Wisdom: From the Fivefold Perceptual Faculties to Their Unification with Soul

Mojtaba Afsharpour*

Abstract

Perception, as one of the vital signs of the human soul, arises from the perceptual faculties by which the soul demonstrates its effect. In the peripatetic philosophical anthropology, the fivefold perceptual faculties, which are common sense, imagination, illusion, memory, and intellect, and the consideration of animal perceptual faculties and their threefold perceptions as their outcome is a stablished view. In Mulla Sadra's works, there are seemingly inconsistent statements about the nature of perceptual faculties and their number. In some cases, similar to the Peripatetics, he speaks of the five faculties, in some other cases he denies illusion, in some other ones he calls common sense and imagination the strong and weak levels of a single faculty, and there are also cases in which he inspires the union of soul and faculties. The present article is an attempt to explain the ultimate form of Mulla Sadra's theory of inner perceptual faculties and to investigate the possibility of reconciling his seemingly inconsistent views. With an analytical-descriptive method, we try to explore the anthropology of transcendental wisdom through an analytical-descriptive method. The conclusion

* Al-Mustafa International University

mojafs2@yahoo.com

Reception date: 1400/10/26

Acceptance date: 1401/7/11

inferred from a comprehensive look at all the works in which Mulla Sadra has focused on perceptual faculties, is that he goes through several stages to reach his final theory, and that each seemingly inconsistent view is related to one of the stages of reaching his goal.

Key Terms: *inner perceptual faculties, fivefold perceptual faculties, the stages of soul, the union of soul, the union of faculties.*

نشریه علمی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۴۰۱

Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی

کد مقاله: ۱۲۸۳

صفحات: ۱۲۴-۱۰۳

Doi: 10.52547/jipt.2022.227663.1283

چالش دوگانگی وحدت یا کثرت نوعی انسان در آراء ملاصدرا

محمد شاه حسینی *

محسن جاهد **

رحیم دهقان سیمکانی ***

چکیده

ملاصدرا انسان‌ها را در نشئه دنیایی، نوعی واحد قلمداد می‌کند و در عین حال، باطناً آنها را متکثر و متفاوت معرفی می‌کند و این تنوع باطنی انسان را آن به آن دانسته است. این بیان دوگانه وی در باب وحدت و کثرت انسان‌ها، شائبه التقاط در نظراتش را به همراه داشته و جمع این دو نظر را دشوار ساخته است. وی ملاک رایج بین حکماء برای رسیدن به نوع جدید را می‌پذیرد و وجود کمال اولی مانند نطق برای انسان را ملاکی برای پذیرش نوع واحد برای همه افراد انسانی نشان می‌دهد، اما از طرفی به دلیل حرکت جوهری، در هر لحظه انسان‌ها را دارای نوع جدید می‌داند. این ابهام در تعریف نوع که به واسطه عدم شکل‌گیری علم منطقی مبتنی بر حکمت متعالیه است، کار را برای روشن ساختن ملاک نوع از نظر ملاصدرا دشوار کرده است. نویسنده برای یافتن پاسخ روشن به این مسئله بر اساس مبانی و تصریحات وی به عوامل کثرت نوع از نظر صدرا پرداخته است تا وجه جمعی بین این دوگانه بیابد، اما در نهایت می‌توان گفت هرچند ایده کثرت نوعی انسان، طرحی روشن برخاسته از مبانی حکمت متعالیه است اما نمی‌توان این ایده را با تأکید ملاصدرا بر وحدت انسان‌ها در نشئه دنیا به وجه جمع مدلی رساند. وی نوع انسان را ناشی از افعال انسان، متکثر دانسته و در ابتدای خلقت واحد معرفی می‌کند اما در موارد دیگری انسان را پیش از خلقت کثیر می‌داند. همچنین وی به وحدت ظاهری در دنیا قائل بوده و کثرت را به یوم حشر

khatam_313@yahoo.com

m_jahed@sbu.ac.ir

r_dehghan@sbu.ac.ir

* دانشجوی دکتری معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

** عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

*** عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۳۰

حواله می‌دهد و این در حالی است که اگر باطن و حقیقت انسان یعنی نفس را در نشئه دنیا در نظر بگیریم، ملاک وحدت امری جز بدن عنصری نخواهد بود که در نظام صدرایی، قائل بودن به وحدت انسان‌ها مبتنی بر بدن عنصری، وجه معقولی به نظر نمی‌رسد. کلیدواژه‌ها: کثرت نوعی، وحدت نوعی، تنوع نفوس، کثرت اکتسابی، عوالم مختلف.

The Challenge of Unity or multiplicity of Human Species from Mulla Sadra's Perspective

Mohammad Shahhoseini*
Mohsen Jahed**
Rahim Dehghan Simkani***

Abstract

Mulla Sadra considers humans to be a single species in the ecstasy of the world, and at the same time, he introduces human beings as multiple and different internally. His interpretation of multiplicity is something which is in change moment-by-moment. This duality in relation to unity has created the suspicion eclecticism in his views and has made the disentanglement of duality difficult. He accepts the criteria through which theologian come up with a new species and considers the speech capability of human beings as a criterion for considering all human beings belonging to the same species; however, relying on his theory of substantial motion, he sees human beings as becoming new moment-by-moment. This ambiguity, which can be attributed to the lack of formation of science of logic based on transcendental theology, has make it difficult to clarify the criterion based on Mulla Sadra's point of view. The present study is concerned with the

* Shahid Beheshti University
* Shahid Beheshti University
* Shahid Beheshti University

khatam_313@yahoo.com
m_jahed@sbu.ac.ir
r_dehghan@sbu.ac.ir

duality of unity and multiplicity of the human species, and the goal is to resolve the duality. However, the conclusion is that, although the idea of plurality of human species has a clear framework originated from transcendental theology, it is not easy to integrate this idea with the emphasis that Milla Sadra has made on the unity of human species in the ecstasy of the world.

Key Terms: *multiplicity of a species, unity of a species, population diversity, acquired multiplicity, different worlds.*

نشریه علمی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۴۰۱

Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی

کد مقاله: ۱۲۴۰

صفحات: ۱۵۰-۱۲۵

Doi: 10.52547/jipt.2022.225984.1240

تحلیل عرفانی تمثیل در قرآن کریم

کنانه مصطفی *

امیر جوان آراسته **

رحمان بوالحسنی ***

چکیده

قرآن کریم همواره سرچشمه و مهم‌ترین منبع حکمت برای عارفان مسلمان بوده است و بسیاری از موضوعات عرفانی می‌تواند از نظر قرآنی بررسی شود، همچون تمثیل که حق تعالی در قرآن از آن یاد کرده و در چند سوره به تمثیل تصریح کرده است. در این پژوهش سعی شده با روش تحلیلی - توصیفی تمثیلی که در عرفان مطرح است با مراجعه به قرآن کریم بررسی شود تا از رهگذر شناخت دقیق‌تر تمثیل و اقسام آن، ابعاد معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی تمثیل نیز روشن‌تر شود. حاصل آنکه پس از مطالعه، تحلیل و مراجعه به تفاسیر آیات مرتبط با مسئله، نتایجی که به دست آمده حاکی از این است که تمثیل منحصر در تمثیل فرشتگان نیست و اموری دیگری همچون رؤیا، تمثیل شیطان، معراج رسول اکرم (ص) و ... نیز که در قرآن ذکر شده‌اند می‌توانند در قالب تمثیل تفسیر شوند. افزون بر این دیدگاه قرآن درباره چستی و چگونگی تمثیل، نحوه ارتباط آن با عوالم هستی و جنبه‌های معرفتی انسان به زبان وحی نیز قابل بررسی است. چه اینکه عارفان همواره با تحلیل نمونه‌های تمثیل در قرآن کریم در پی دستیابی به شناخت عمیق‌تری از این مسئله بوده‌اند. کلیدواژه‌ها: تمثیل، رؤیا، تجسم اعمال، قرآن کریم، عرفان اسلامی.

kinanamustafa@gmail.com

am.javan@gmail.com

bolhasani1261@gmail.com

* دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)

** عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

*** عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

Mystical Analysis of Representation in The Holy Quran

Kinana Mustafa*
Ameer Javan Arasteh**
Rahman Bou-AlHasani***

Abstract

Qur'an has always been the source of wisdom and a lot of mystic issues can be studied from a Quranic perspective. Among these issues, we can refer to representation, which the Almighty has referred to in his heavenly book and has explicitly mentioned it in Maryam Surah. The present study, with an analytical-descriptive method, tries to clarify representation as it is introduced in mysticism and aims to deepen understanding of this concept and its types and also its two aspects namely epistemological and anthological aspects. The study shows that representation is not exclusively limited to the representation of angels. It rather includes other types, such as dreams, the Ascension, etc., which are all worthy of study. In addition, the Qur'anic perspective on the what and how of representation, its relationship with the worlds of existence and the man epistemological aspects as presented in revelation can also be studied. That is why mystics have constantly dealt with these issues through

* University of Religions and Denominations

kinanamustafa@gmail.com

** University of Religions and Denominations

am.javan@gmail.com

** University of Religions and Denominations

bolhasani1261@gmail.com

mystical analysis of sample representations in the holy Quran to facilitate deeper understanding of this issue.

Key Terms: *Representation, the Holy Quran, Islamic mysticism, dream, embodiment.*

نشریه علمی آینه معرفت

دانشگاه شهید بهشتی، تابستان ۱۴۰۱

Scientific Journal of Ayeneh Ma'refat
Shahid Beheshti University

علمی پژوهشی

کد مقاله: ۱۲۵۲

صفحات: ۱۷۴-۱۵۱

Doi: 10.52547/jipt.2022.226679.1252

ارزیابی نگاه حداقلی به زن در عبارات ملاصدرا

سیده زهرا موسوی بایگی *

سید محمد موسوی **

هادی ایزانلو ***

چکیده

امروزه مسئله زن و جایگاه هستی شناختی او، یکی از مباحث مطرح در حوزه اندیشه و علوم اجتماعی است. این مسئله نوظهور اگرچه در اندیشه متفکران چند سده گذشته از جمله ملاصدرا، مسبوق به سابقه نیست، اما عبارات اندک و موجزی از برخی اندیشمندان وجود دارد که با تکیه بر آن‌ها می‌توان به «ارزش انسانی زن» نزد ایشان پی برد. در فلسفه صدرالمتألهین افزون بر برخی از عبارات (چهارده عبارت) درباره زنان، مبانی فلسفی وی نیز می‌تواند در خصوص دیدگاه ملاصدرا کمک کننده باشد. پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده، می‌کوشد بدین پرسش که «آیا ملاصدرا نسبت به جایگاه انسانی زن، نگاهی حداقلی داشته است؟» پاسخ دهد. حاصل تلاش‌های صورت گرفته بر اساس دو نحوه بررسی عبارت محور و مبنا محور، آن است که عباراتی که از صدرالمتألهین در انتساب نقصان عقل به زن وجود دارد، نه معنایی که عرف از قصور عقل می‌فهمد را دارد و نه به جنس زن اختصاص دارد بلکه عبارات مزبور بیان‌گر مرتبه‌ای از مراتب انسان، خواه زن و خواه مرد است؛ مبانی فلسفی او نیز به طور مطلق جنسیت‌پذیری نفس را نفی و به این ترتیب برابری هویت انسانی زن و مرد را اثبات می‌کند، همچنین در اثبات این پژوهش به چند اشکال احتمالی و پاسخ آن‌ها، پیرامون عدم جنسیت‌پذیری نفس اشاره شده است. کلیدواژه‌ها: ملاصدرا، زن، حیوان، نفس.

zmousavibaygi@gmail.com

mmusawy@gmail.com

hadiizanloo.ih@gmail.com

* دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

** عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه علوم اسلامی رضوی (نویسنده مسئول)

*** دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱/۲۱

Evaluating the Minimalistic View of Women from Mulla Sadra's Perspective

Seyyedeh Zahra Mousavi Baygi*

Seyyed Mohammad Mousavi**

Hadi Izanlo***

Abstract

Today, the issue of women and their ontological position is one of the topics discussed in the field of thought and social sciences. Although this newly emerging issue is not unprecedented in the ideas expressed by the thinkers of the past few centuries, including Mulla Sadra, there are few concise statements by some thinkers on which one can rely to understand the "human value of women" from their perspective. In Mulla Sadra's philosophy, in addition to some statements (fourteen statements) made about women, his philosophical foundations can also be helpful in inferring his view of women status. The present study, through the use of a descriptive-analytical method, tries to answer the question whether Mulla Sadra has a minimalistic view of the human position of women. To answer this question, relying on a text-based and a principle-based approach, we conclude that Mulla Sadra's statements attributing intellectual defect to women neither have the meaning that the society

* Ferdowsi University of Mashhad

** Razavi University of Islamic Sciences

*** Ferdowsi University of Mashhad

zmousavibaygi@gmail.com

mmusawy@gmail.com

hadiizanloo.ih@gmail.com

infers from this concept, nor is this meaning attributable specifically to women. To Mulla Sadra, the concept is a level of human being attributable to both males and females. His philosophical foundations manifest the absolute rejection of gender-based nature of the self which can be proof of the equality of human identity among men and women. The paper also refers to several alternative positions taken toward gender-based self and their answers to this question.

Key Terms: *Mulla Sadra, women, animal, soul*